



(انطباق معماری ظاهری و باطنی)

نویسنده اول*^۱، امیرحسین فرشچیان^۲.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی معماری اسلامی دانشکده معماری و شهرداری دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
AmirHoseinFarshchian@Tabriziau.ac.ir

نویسنده دوم*^۲، آزینا حمیدی بگه جان^۳.

۱- دانشجوی ارشد تخصصی معماری دانشگاه غیرانتفاعی قروه کردستان.
a.hamidi@irm.ac.ir

چکیده

تمام ادیان انسانها را به سیر از ظاهر به باطن دعوت کرده اند. آنچه در نزد ایشان اصیل بوده عالم معناست و از این رو اعتبار عالم ظاهر به عالم معنا می باشد. این طرز فکر تمامی شئون زندگی انسانها، خصوصا هنر را در جامعه ی دینی فراگرفته و بنابراین آثار هنری ادیان همواره آدمی را به عالم دیگر رهنمون می کنند. آنجا که خاستگاه هنر دینی فراتر از انسان می شود و هنرمند مجرای انتقال معانی منبعث شده از عالم بالا می گردد و بدین ترتیب هنر اصیل دینی ظهور می نماید. در حکمت اسلامی قرآن کریم و سخن مشترک انبیا، تاکید بر حرکت از ظاهر به باطن یا به عبارتی از صورت به معنا بوده و اسلام، ظاهری دیدن وقف در صورت دنیا بدون سیر در معنا و باطن را نکوهش کرده (۱) و آن را نشان بی خردی انسان می شمرد. هنرمندان مسلمان با انس و الفت و همدلی با حکما، سنت اسلامی را از طریق آثار هنری نمود داده اند و انسانها را از ظاهری نمادین به حقیقتی فراتر متذکر شدند. هنرمند مسلمان با ادراک این معنا و ارزش به طراحی صورت پرداخته و اثر هنری خویش را پدید می آورد. معماری دوران اسلامی نیز با همین مبانی و مفاهیم به تجلی و ظهور معانی پرداخته است. در این مقاله ضمن اتخاذ رویکردی تاریخی تفسیری و مطالعات کتابخانه ای ابتدا به بیان تعاریفی از رابطه بین صورت و معنا در معماری ایرانی و معماری دوران اسلامی پرداخته و سپس با توجه به این معانی به معماری که باطن پذیروسبک گریز است خواهیم پرداخت و به این نتیجه خواهیم رسید که گذر از ظاهر به باطن معماری مورد قبول تر است. (۲)

واژه های کلیدی: معماری دوران اسلامی ، معماری ایرانی ، صورت معنا ، هویت اسلامی